

شنبه
۱۵ شهریور ۱۴۰۴
سال بیست‌ودوم • شماره ۵۱۹۷

نگه

دراکران خصوصی «ناتور دشت» مطرح شد ۱۴۰۴ را باید سال سینمای اجتماعی بنامیم

مراسم اکران خصوصی و همچنین اکران مردمی فیلم سینمایی «ناتور دشت» با حضور بازیگران و عوامل فیلم و همچنین اهالی سینما در پردیس سینمایی هدیش برگزار شد. هم زمان با آغاز نمایش عمومی فیلم سینمایی «ناتور دشت» به کارگردانی محمدرضا خردمندان و تهیه‌کنندگی مهدی فرجی، مراسم اکران خصوصی این اثر با حضور هادی حجازی‌فر، میرسعید مولویان، شبنم قربانی و ارغوان عزیزی، از بازیگران فیلم «ناتور دشت»، محمدرضا خردمندان کارگردان، مهدی فرجی تهیه‌کننده، حمید اکبری‌خامنه نویسنده، مرتضی غفوری فیلم‌بردار و همچنین جمعی از بازیگران و اهالی سینما در پردیس سینمایی هدیش برگزار شد. پیش از نمایش فیلم، محمدرضا خردمندان، کارگردان این اثر، ضمن خوشامدگویی به میهمانان در سخنانی گفت: ۱۴۰۴ را باید سال سینمای اجتماعی بنامیم. در حقیقت بعد از یک دوره طولانی که سینمای اجتماعی را ناپود کردند، امسال شروع بسیار خوبی با اکران فیلم «زیبا صدایم کن»، ساخته استاد خودم رسول صدرعاملی داشتیم که اثر محبوب من است و ایشان افتخار دادند و امشب در سالن میهمان ما هستند. او با اشاره به اینکه سینمای اجتماعی آینده جامعه است، بیان کرد: ما تا زمانی که رویه‌روی آینده نایستیم، نمی‌توانیم زیبایی‌ها و زشتی‌های خودمان را ببینیم. متأسفانه این آینده را در سال‌های گذشته شکستند و به‌جای آن بعضا فیلم‌ها مبتذل‌ا را به خورد ما دادند که بیشتر شبیه مواد مخدر بود. کارگردان «ناتور دشت» ادامه داد: امیدوارم مسیر اکران فیلم‌های اجتماعی هموار بماند. فروش این آثار نویدبخش آن است که ما دوباره روزهای خوبی را برای سینما شاهد خواهیم بود. از همه کسانی که از ما حمایت می‌کنند و کنایمان هستند، تشکر می‌کنم و امیدوارم فیلم را دوست داشته باشید. در ادامه، مهدی فرجی، تهیه‌کننده اثر، ضمن خیرمقدم به میهمانان بیان کرد: امیدوارم هرکس از تماشای فیلم رضایت داشت، آن را به هر نحوی که می‌تواند تبلیغ کند؛ چراکه بسیار تأثیرگذار است و فیلم‌ها این‌گونه دیده می‌شوند. سینمای اجتماعی ما می‌تواند مسیر رشد و بالندگی خودش را ادامه دهد و در صدر جدول گیشه، فیلم‌های اجتماعی باشند و این سینما به سال‌های درخشان خود بازگردد تا در جهان حرف‌های بسیار مهمی از سینمای ایران بشنویم. او خاطرنشان کرد: این‌اثر حاصل یک تلاش جمعی سه‌ماهه به رهبری محمدرضا خردمندان، کارگردان فیلم است؛ همچنین باید از تمام عوامل و بازیگران خوب و دوست‌داشتنی اثر از جمله هادی حجازی‌فر، میرسعید مولویان، شبنم قربانی، بابک کریمی، سعید آقاخانی، امیر دژآکام، اردشیر رستمی، علی مصفا و… تشکر کرد. در ادامه این مراسم، دو اکران مردمی با حضور بازیگران و عوامل فیلم برگزار شد و با استقبال مخاطبان سینمای اجتماعی همراه بود.

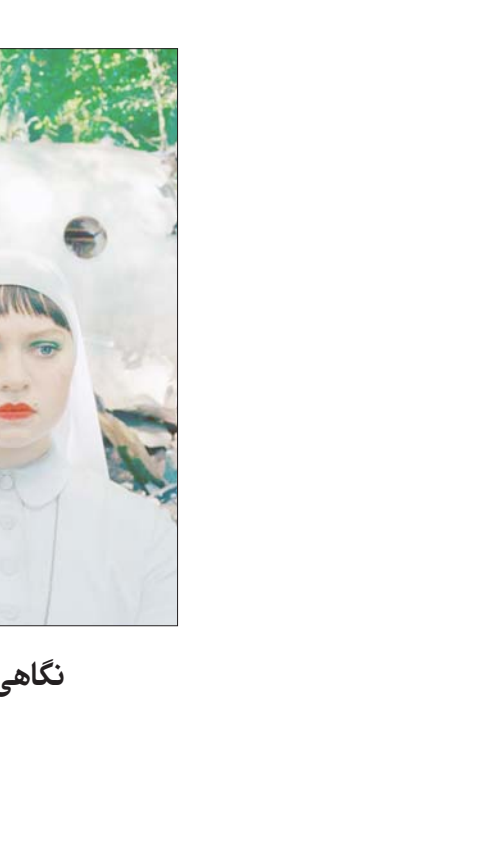
پیش از نمایش فیلم، هادی حجازی‌فر، بازیگر «ناتور دشت»، در سخنانی اظهار کرد: ما تمام تلاش خود را در این فیلم که به‌شدت هم سخت بود، کردیم و به‌اصطلاح روزمران را زدیم. اگر فیلم را دوست داشتید، آن را تبلیغ کنید. از تیم درجه‌یک بازیگران، مهدی فرجی تهیه‌کننده و محمدرضا خردمندان که فیلم‌سازی بااخلاق و برخلاف من تصور است، تشکر می‌کنم. میرسعید مولویان، دیگر بازیگر این اثر گفت: به قول آقای حجازی‌فر ما کم‌فروشی نکردیم. بازیگران، کارگردان و نویسنده فقط برای مخاطب کار می‌کنند و اساسا تمام تلاش گروه این بوده است که مخاطبان از تماشای این اثر روری پرده بزرگ سینما لذت ببرند. امیدوارم «ناتور دشت» را دوست داشته باشید و اگر احیانا آن را دوست نداشتید، ما را ببخشید. شبنم قربانی، بازیگر «ناتور دشت» نیز ابراز امیدواری کرد که مخاطبان به حمایت از سینمای اجتماعی ادامه دهند. ارغوان عزیزی، بازیگر کودک این اثر نیز کوتاه گفت: خوشحالم که فیلم «ناتور دشت» را برای تماشای انتخاب کردید و امیدوارم لذت تماشای آن را ببرید. از گروه کارگردانی «ناتور دشت»، تشکر می‌کنم. مهدی فرجی، تهیه‌کننده اثر نیز مطرح کرد: اگر فیلم را دوست داشتید به دوستان خود توصیه کنید و از سینمای اجتماعی حمایت کنید. لازم است بگوییم آقای هادی حجازی‌فر در این فیلم یک سکانس بسیار سخت را بازی کردند؛ آنها بدلقاری نیست و خود ایشان در صحنه حضور داشتند. محمدرضا خردمندان نیز در سخنانی عنوان کرد: ممنون که «ناتور دشت» را انتخاب کردید. من پس از هشت سال دوباره به سینما برگشتم و دیدن مردمی سینما لذت چندبرابری دارد. امیدوارم فیلم را

دوست داشته باشید. من به موج اول مخاطب بسیار ایمان دارم؛ چراکه فروش فیلم را رقم می‌زنند. در حقیقت اولین کسانی که فیلم را می‌بینند، پیامبرانی هستند که می‌توانند تعداد زیادی مخاطب را با خود همراه کنند. اگر این اثر را پسندیدید، دیگر افراد را به تماشای آن ترغیب کنید. او در پایان خاطرنشان کرد: همچنین لازم می‌دانم از بازیگرانی که اینجا حضور دارند، هادی حجازی‌فر، میرسعید مولویان، شبنم قربانی و ارغوان عزیزی، تشکر کنم که لحظات بسیار سختی را بازی کردند. اساسا برای من ساخت فیلم با این تیم درجه‌یک بازیگری باعث افتخار بود. ناتور دشت محصول سازمان سینمایی سوره است که در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر با استقبال مخاطبان مواجه شد و اکران خود را از ۱۲ شهریور در سینماها آغاز کرده است.

خبر

«آشوب» کوراساوا در سینماتک تهران

نسخه مرمت‌شده فیلم «آشوب» ساخته کوروساوا (۱۹۸۵)، در قالب برنامه ششصدوسی‌وسوم سینماتک خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آید. به گزارش ایسنا، نسخه مرمت‌شده فیلم «آشوب» ساخته اکیرا کوروساوا (۱۹۸۵) ساعت ۱۸ دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۴۰۴ در سالن استاد ناصری، برنامه ششصدوسی‌وسوم سینماتک خانه هنرمندان ایران به نمایش درمی‌آید. پس از نمایش این فیلم ۱۶۰دقیقه‌ای، نشست نقد و بررسی آن با حضور مهدی خرمدل (منتقد سینما و روزنامه‌نگار) برگزار می‌شود. فیلم «آشوب» اقتباسی ازآزاد از نمایش‌نامه شاه لیر اثر ویلیام شکسپیر است؛ با این تفاوت که کوروساوا داستان را در بستر تاریخ فتودالی ژاپن روایت می‌کند. قصه درباره یک فرمانروای سالخورده نظامی به نام هیدتورا ایچی مونچی است که تصمیم می‌گیرد قدرت و سرزمین‌هایش را میان سه پسرش تقسیم کند؛ اما پس از کناره‌گیری، خیانت، توطئه و جنگ میان فرزندان باعث نابودی خاندان و امپراتوری او می‌شود. کوروساوا در «آشوب» از ترکیب تئاتر نو و شکوه بصری سینمای حماسی بهره می‌گیرد که با طراحی لباس و صحنه‌های بسیار باشکوه و پرجزئیات همراه است. موسیقی فیلم ساخته تورو تاکه‌میتسو است که به حال و هوای تراژیک اثر می‌افزاید. فیلم در کنار روایت حماسی، تأملی فلسفی پر قدرت، خیانت، جبر، خشونت و فانیذیری انسان دارد. فیلم «آشوب» در مجموع نامزد چهار جایزه اسکار از جمله بهترین کارگردانی بود و در نهایت موفق به کسب اسکار بهترین طراحی لباس شد. تانسویا ناگادی، اکیرا ترویو، میکو هارادا، جین یاجی نزو یوشیکو میازاکی و دایسوکه ریو بازیگران این فیلم تحسین‌شده هستند. این فیلم با تحسین گسترده منتقدان روبه‌رو شد؛ بسیاری آن را نقطه اوج دوره پائانی کار کوروساوا و یکی از بهترین اقتباس‌های سینمایی از آثار شکسپیر می‌دانند.



فیلم «طرح فنیقی» در ژانر کمدی سیاه-جاسوسی، محصول سال ۲۰۲۵ به کارگردانی وس اندرسن است. او فیلم‌نامه را به همراه رومن کوپولا نوشته و تهیه‌کنندگی فیلم را نیز بر عهده داشته است. هر زمان که نام وس اندرسن مطرح می‌شود، علاقه‌مندان به یاد فیلم هتل بزرگ بوداپست (۲۰۱۴) می‌افتند؛ فیلمی که نخستین نامزدی اسکار در رشته بهترین کارگردانی را برای او به ارمغان آورد. همچنین این اثر توانست برنده جایزه گلدن گلوب بهترین فیلم موزیکال-کمدی و جایزه بقتا برای بهترین فیلم‌نامه اصلی شود. اندرسن بعدها برای فیلم جزیره سگها (۲۰۱۸) جایزه خرس نقره‌ای بهترین کارگردانی جشنواره برلین را نیز دریافت کرد. اندرسن فیلم‌سازی است که سال‌هاست مرز میان سینمای هنری و جریان اصلی هالیوود را جابه‌جا کرده است. نخستین نمایش جهانی «طرح فنیقی» در جشنواره کن ۲۰۲۵ رقم خورد؛ درحند دستاورد چشمگیری برای فیلم در بی نداشت. اندرسن پس از درگذشت پدر همسرش (اهل لبنان بود)، داستانی درباره شرق را به نگارش درآورد و این فیلم حاصل آن نگاه تازه‌ا است که تقدیم به او کرده است.

اندرسن در این اثر بازیگرانی همچون نینسیو دل‌تورو، میا تریلپتون، برایان کرانستون، مایکل سرا، متیو آمارلیک، ریز احمد، تام هنکس، جفری رایت، اسکالریت جوهانسون و بندیکت کامبریج را گردهم آورده است. او با بهره‌گیری از مجموعه‌ای از هنرپیشگان مشهور، داستانی خاص را روایت می‌کند.

در خلاصه داستان فیلم طرح فنیقی آمده است: در سال ۱۹۵۰، اسلحه‌سازی به نام «آتاوول کوردا» با بازی نینسیو دل‌تورو، به‌سختی از یک ترور جان سالم به در می‌برد. او هنگام بیهوشی وارد دنیای بعد از مرگ شده و در دادگاه الهی حاضر می‌شود تا صلاحیتش برای ورود به بهشت بررسی شود. کوردا با آگاهی از این حقیقت که تا ابد از دست آدم‌کش‌ها در امان نخواهد بود، تلاش می‌کند رابطه خود را با تنها دخترش «لیسل» که به‌تازگی به صومعه رفته و راهبه شده است، بهبود ببخشد. او از لیسل

سجاد خلیل‌زاده: سینما گاهی نه آنچه واقعیت است و نه روایتی از خیال، بلکه برخی‌ا است میان مرگ و زندگی؛ جایی که حقیقت مانند بخار روی شیشه، محو و لوزان ظاهر می‌شود. «علت مرگ: نامعلوم» فیلمی است که درست در این بزرخ نفس می‌کشد؛ روایتی که نه پاسخ می‌دهد و نه پاسخی طلب می‌کند، بلکه پرسش را مانند زخمی تازه بر ذهن مخاطب حک می‌کند.

تماشای این فیلم شبیه قدم‌زدن در راهرویی تاریک است که هر دری را که می‌گشایی، تو را به دالانی دیگر می‌کشاند؛ راهی بی‌انتها به سوی هزارتوی معنا. فیلم نه در پی آرامش است و نه در پی رهایی، بلکه در طلب تکان‌دادن ذهن و قلب مخاطب است، با استفاده از میزاسن‌هایی سرد، روایت‌هایی نیمه‌کاره و شخصیت‌هایی که بیشتر شبیه سایه‌اند تا انسان‌های گوشت و پوست‌دار. مرگ، همیشه آخرین امضای زندگی نیست؛ گاه خود به پرسشی بدل می‌شود که هرگز پاسخ روشنی ندارد. علت مرگ: نامعلوم، نه‌فقط عنوانی برای یک فیلم است، بلکه به‌مثابه واژه‌ای است که بر سنگ مرار حقیقت حک می‌شود؛ حقیقتی که میان تاریکی و روشنائی کم شده است. این فیلم، تماشاگر را به سفری می‌برد که در آن نه پاسخ‌ها، بلکه ابهام‌ها معنا می‌سازند. تماشای این فیلم، مانند عبور از راهرویی تاریک است؛ راهرویی که در انتهایش دری بسته دیده می‌شود، اما هیچ‌کس کلید آن را در دست ندارد. «علت مرگ: نامعلوم» فقط عنوانی برای یک پرونده نیست، بلکه نامی است برای همه زندگی‌های ما؛ برای مرگ‌هایی که در سکوت رخ می‌دهند، بی‌آنکه چرایی‌شان روشن شود. شخصیت‌های فیلم، سایه‌هایی هستند که بر دیوار سرد زمان می‌لغزند. هر نگاه‌شان، هر سکوت‌شان مانند گورنوشته‌ای ناتمام است. کارگردان با قابی سرد، با نوری لرزان، با سکوتی طولانی، ما را به جایی می‌برد که واقعیت دیگر کفایت نمی‌کند؛ جایی که باید پی‌نیریم حقیقت، همیشه در پرده‌ای از ابهام فرو می‌رود.

فیلم مانند شعری بی‌قافیه است؛ گاهی با صدای آهسته باد، گاهی با ضربه‌تنگ تپش قلب و گاهی با سنگینی مطلق سکوت روایت می‌شود. تماشاگر پس از پایان، نه پاسخ معما را یافته، بلکه خود بدل به معما می‌شود. فیلم با عنوانی آغاز می‌شود که خود به‌تنهایی حامل تعلیق است: «علت مرگ: نامعلوم». همین انتخاب، یک بار معنایی دوگانه دارد: از یک سو معمایی اسکار از جمله بهترین کارگردانی بود و در نهایت موفق به کسب اسکار بهترین جتلی را وعده می‌دهد و از سوی دیگر، پرسشی فلسفی را درباره حیات و مرگ انسان مطرح می‌کند. فیلم‌نامه در مرز میان واقعیت و وهم حرکت می‌کند؛ روایتی خطی نیست، بلکه به شیوه پارزی و تدریجی، لایه‌های حقیقت و دروغ را این‌کتاب می‌زند. همین شیوه، فیلم را از آثار مرسوم معمایی جدا می‌کند. فیلم



نگاهی به فیلم «طرح فنیقی» به کارگردانی وس اندرسن

کند اما ژرف

فرزانه متین

درخواست می‌کند صومعه را ترک کند و کسب‌وکار خانوادگی‌اش را به دست بگیرد. روایت فیلم از همین نقطه آغاز می‌شود. فیلم درواقع نوعی «سفرنامه» است؛ سفری اگزستانسیالیستی و ادیسه‌وار که در آن پدری به همراه دخترش از جلسات غیرمتعارف هیئت‌مدیره تا مواجهه با قاتلان، مبارزان آزادی و حتی صحنه‌های جنایت سازمان یافته پیش می‌رود.

فیلم‌های وس اندرسن همواره فضایی فانتزی و منحصربه‌فرد دارند. او با استفاده از رنگ‌های اشباع‌شده و قاب‌بندی‌های حساب‌شده، فضایی بصری خلق می‌کند که حس نو و متفاوتی به تماشاگر می‌دهد و یک زیبایی‌شناسی خاص خلق می‌کند که ابزاری است برای پیوندادن محتوای عمیق فیلم با نقدهای اجتماعی و سیاسی. بهترین نمونه این سبک را پیش‌تر در هتل بزرگ بوداپست دیده‌ایم. این پرسشی که پیش می‌آید، این است که منظور از طرح فنیقی چیست؟ فیلم به پروژه‌ای عظیم اشاره دارد؛ طرحی برای زیرساخت‌های مهم از جمله یک سد و راه‌آهن در دل بیابان‌های خاورمیانه (سوریه و لبنان کنونی). بزرگ‌ترین مشکل این پروژه، کمبود بودجه است. برای حل این مشکل، پدر و دختر باید سفری داشته باشند برای مذاکرات سیاسی و اقتصادی که در خاورمیانه شکل می‌گیرد. در همین مسیر است که سفر جهانی «کوردا» (شخصیت اصلی) او را پیوسته به آزمونی روحانی می‌کشاند. او وارد جهانی سیاه و سفید می‌شود؛ جهانی که در آن با خدا و فرشتگان گفت‌وگو می‌کند. دیدن کوردا که با تصاویر مذهبی و زندگی پس از مرگ بازی می‌کند و به پیامدهای احتمالی زندگی فاسد زمینی می‌اندیشد. از منظر مفهومی، طرح فنیقی در نهایت به یک داستان رستگاری شباهت دارد؛ سرگذشت فردی قدرتمند که بارها از خود می‌پرسد این‌همه قدرت چه دستاورد واقعی‌ای برای او داشته است؟ اما اینکه لیسل در این

تأملی بر فیلم علت مرگ: نامعلوم

سینمایی در مرز حقیقت و خیال

از نظر روایی، خود را در منطقه مرزی میان سینمای داستان‌گو و سینمای مستند-تحقیقی قرار می‌دهد. به‌جای پیشبرد خطی روایت، سازندگان به پارل‌سازی روی می‌آورند: قطعات پراکنده شواهد، شهادت‌ها و خاطرات که هرگز به یک «تصویر کامل» منتهی نمی‌شود. این انتخاب فرمی، گرچه می‌تواند بخشی از مخاطبان را دچار تعلیق و حتی خستگی کند، درعین‌حال دقیقا همان حس بی‌پاسخی و بلاکلیفی را بازآفرینی می‌کند که در دنیای واقعی پیرامون مرگ‌های مبهم وجود دارد. از منظر نظریه روایت، این فیلم در پی برهم‌زدن انتظارات کلاسیک مخاطب است: جایی که به‌جای علت‌یابی، با «علت‌ناپذیری» روبه‌رو می‌شویم. اینجا روایت مانند کالبدی است که کالبدشکافی می‌شود، اما نتیجه پزشکی قانونی همچنان در هاله‌ای از ابهام باقی می‌ماند.

کارگردان با انتخاب ریتمی کُند اما پرجزئیات، تماشاگر را وادار می‌کند در هر قاب مکث کند. میزاسن‌ها اغلب ساده‌اند، اما در سادگی خود، حامل ابهام و ابهام‌اند. استفاده از لوکیشن‌های محدود و محصور، به حس انسداد و بن‌بست معنایی می‌افزاید؛ گویی شخصیت‌ها در زندانی نامرئی گرفتارند. کارگردان با بهره‌گیری از رنگ‌های سرد، نوره‌ای محدود و کادربندی‌های بسته، فضایی را خلق می‌کند که بیشتر به جهان ذهنی کابوس شباهت دارد تا بازنمایی واقعیت بیرونی. حرکت آهسته دوربین و تأکید بر اشیای متروک یا فضا‌های خالی، حس «غیاب» را برجسته می‌کند؛ غیاب شخصی که رفته، غیاب حقیقتی که پنهان شده و حتی غیاب پاسخ روشنی برای پرسش اصلی فیلم.

اینجا می‌توان گفت کارگردانی با هوشمندی، مرز میان سینما و تئاتر را نیز لمس می‌کند. میزاسن‌های ایستا، سکون بازیگران و فضای که بیشتر به صحنه نمایشی شبیه است، فیلم را به اجزایی صامت و شاعرانه بدل می‌کند. بازی‌ها، به‌ویژه در نقش‌های اصلی، بین دو قطب «باینگ‌ری آشکار» و «فروخوردگی درونی» در نوسان‌اند. این تضاد، به شخصیت‌ها بُعدی چندلایه می‌بخشد. نگاه‌های ممتد، مکث‌های طولانی و زبان بدن کنترل‌شده، بار روایت را بیش از دیالوگ‌ها حمل می‌کنند.

بازیگران فیلم به‌جای ایفای نقش‌هایی پررنگ و نمایشی، بیشتر به «سایه‌ها» شباهت دارند؛ سایه‌هایی که حضورشان به اندازه غیاب‌شان معنا دارد. گویی هر یک شاهدهی خاموش‌اند؛ شاهدانی که بیش از آنکه حرفی بزنند، نگاه می‌کنند. این سکوت‌ها، بیش از هر دیالوگی عمل می‌کنند؛ چراکه در جهانی که حقیقت پنهان است، زبان نیز کارکرد خود را از دست می‌دهد. تصویر در این فیلم، تنها ابزار روایت نیست، بلکه خود به شخصیت تبدیل می‌شود.

شنبه
۱۵ شهریور ۱۴۰۴
سال بیست‌ودوم • شماره ۵۱۹۷

اخبار برگزیده

بیکر ایرج صغیری بردوش بازیگران «قلندرخونه» بدرقه‌شد

ایستنا؛ بیکر ایرج صغیری، هنرمند پیش‌کسوت کشورمان، عصر پنجشنبه، سیزدهم شهریور، با حضور جمعی از هنرمندان و هنردوستان بوشهر از ساحل آبی خلیج فارس به سوی آرامگاه ابدی‌اش بدرقه شد. آیین بدرقه این هنرمند در تالار اصلی مجتمع فرهنگی-هنری بوشهر آغاز شد. این تالار میزبان خیل عظیم مردم بوشهر بود؛ مردمی که صغیری در سال‌های پرشمار فعالیتش از آنان نوشت و برای آنان خلق کرد. این مراسم با اجرای دکتر شاهین بهرام‌نژاد برپا شد. او از صغیری و آثار هنری و پژوهش‌های این هنرمند در حوزه تئاتر و سینما گفت. همچنین محمد صغیری، برادر این هنرمند، تأکید کرد که ایرج صغیری در تمام زندگی‌اش هرگز خود را جدا از مردم ندانست، بلکه از بطن مردم بود و برای آنان کار کرد. در ادامه، علی قربانی از بازیگران قدیمی بوشهر که در بیشتر آثار صغیری با او همکاری داشته است، در سخنانی با بیان خاطره‌ای از همکاری با صغیری و ویژگی‌های آثار او بخشی از مونولوگ بلند خود را در نمایش «قلندرخونه» اجرا کرد. نواختن سنخ و دمام دیگر بخش این برنامه بود؛ همان سازی که نمایش «قلندرخونه» با آن آغاز می‌شود. سپس بازیگران نمایش «قلندرخونه»، کار زنده‌یاد ایرج صغیری که از مهم‌ترین آثار نمایشی ایران است، روی صحنه رفتند و بیکر صغیری را بر دوش خود مشایعت کردند. بیکر ایرج صغیری به آرامگاه شیخ حسین چاهکوتاهی منتقل شد تا در کنار مونوچهر آتش، شاعر بلندآوازه کشورمان و استاد صغیری و دکتر سیدجعفر حمیدی، دیگر چهره‌ها ندانگ ادبی آرام بگیرد. حجت‌الاسلام صفایی‌بوشهری، نماینده ولی‌فقیه در بوشهر، بر پیکر صغیری نماز خواند و نوای شروه‌خوانی که از موسیقی‌های مورد علاقه صغیری بود، با صدای ناخدا علی سستوده اجرا شد. ایرج صغیری‌زاده که سال ۱۳۲۲ متولد شد و از او به عنوان پدر تئاتر بوشهر یاد می‌شود، دهم شهریور بعد از شش دهه فعالیت مستمر هنری و پس از یک دوره بیماری از دنیا رفت.

۳نمایش‌نامه‌ازهاواردزین بررسی می‌شود

یازدهمین نشست از سلسله نشست‌های دوشنبه‌های کتاب، ۱۷ شهریور ساعت ۱۹ با موضوع «هاوارد زین و تئاتر آمریکا: رویکرد انتقادی در عصر ترامپسیسم» براساس سه نمایش‌نامه «امام»، «مارکس در سوهو» و «دختر ونوس» بررسی می‌شود. در این برنامه، ناصر حبیبیان، نمایش‌نامه‌نویس، کارگردان، پژوهشگر و استاد دانشگاه به عنوان سخنران حضور دارد. دربرابر جنبه‌های ادبی و نمایشی این نمایش‌نامه‌ها سخنرانی می‌کند. این نشست در خانه تمرین شمس به نشانی چهارراه ولیعصر(عج)، خیابان رازی، کوچه گودرز، بن‌بست اختصاصی، پلاک چهار برگزار می‌شود و حضور برای علاقه‌مندان آزاد و رایگان است.

۳روز با نمایش آثارپاراجانف

شنبه ۱۶ شهریور نمایش آثار سرگئی پاراجانف، فیلم‌ساز، با حضور آرتور مارتیروسیان، معاون وزیر فرهنگ جمهوری ارمنستان، در موزه سینما برگزار خواهد شد. در ۱۶ شهریور و نخستین روز، فیلم «رنگ انار»، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آثار این فیلم‌ساز، روی پرده خواهد رفت. پس از نمایش فیلم، نشست نقد و بررسی آن با حضور نویسندگان، پژوهشگر و منتقد سینما برگزار می‌شود. روز دوشنبه ۱۷ شهریور، فیلم «عاشق غریب» به نمایش درمی‌آید. این فیلم نیز از آثار شاخص پاراجانف به شمار می‌رود و پس از آن، رامتین شهبازی، منتقد سینما، در جلسه‌ای تخصصی به تحلیل و بررسی فیلم خواهد پرداخت. در روز پایانی این برنامه، سه‌شنبه ۱۸ شهریور، فیلم «افسانه قلعه سورام» اکران خواهد شد و نشست پایانی این مجموعه نیز با حضور آناهید آباد، فیلم‌ساز، برگزار می‌شود. نمایش فیلم‌های پاراجانف طی این سه روز از ساعت ۱۸ تا ۲۰ در سالن فردوس موزه سینمای ایران انجام می‌شود.